

در دوره رنسانس، متفکران و نظریه‌پردازان آلمانی در زمینه‌های مختلف از جمله فلسفه، ادبیات، هنر و علوم طبیعی، نقش‌های مهمی ایفا کردند. این دوران با ظهور افکار و روش‌های نوین در فلسفه و ادبیات، همراه با تحولات عمده در هنر و علوم طبیعی، همراه بود. در این دوره، مفاهیمی مانند عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی و روش علمی، پایه‌های فکری جدیدی را بنا نهادند. در فلسفه، فیلسوفانی مانند ایمانوئل کانت و گئورگ ویلهلم لهمنگه، با تفکر انتقادی خود، بنیادهای فکری جدیدی را بنا نهادند. در ادبیات، نویسندگانی مانند گوته و شلر، با آثار خود، به توسعه ادبیات آلمانی و اروپایی کمک کردند. در هنر، جنبش‌هایی مانند رمانتیسم و کلاسیسیسم، به ظهور کردند. در علوم طبیعی، دانشمندی مانند گئورگ کولمبوس و لایبنیتس، در زمینه‌های مختلف علمی، دستاوردهای مهمی را به ثبت رساندند.

حالت و مختصات

مکاتب مختلف موسیقی غربی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

اتریش و آلمان

غالباً مکتب موسیقی اتریش جزئی از مکتب آلمان بشمار می‌آید و بصورت مستقل مورد بحث قرار نمی‌گیرد زیرا سابق و وجوه مشترک زیادی آن دورا بهم می‌پیوندند. با اینهمه بنظر می‌رسد که اگر صفات و مختصات این دو مکتب جداگانه مورد توجه و مطالعه قرار گیرد تحول هنر موسیقی در آن دو سرزمین بصورت روشنتری جلوه می‌کند و درک آثار و شخصیت هر

کدام از آهنگسازان آن دو مکتب نیز آسانتر می گردد . از همینرو در اینجا
 پیش از آنکه به مکتب آلمان بپردازیم به مکتب اتریش اشاره خواهیم کرد .
 توجه به شخصیت مستقل موسیقی اتریش بخصوص از لحاظ روشن
 ساختن چگونگی پیدایش شیوه کلاسیک اهمیت و ضرورت دارد . چنانکه
 می دانیم در نیمه قرن هجدهم ، یعنی دوره پیدایش شیوه کلاسیک ، مکتب
 فرانسه رو به انحطاط نهاد و مکتب آلمان پدید آمد . در این زمان آثار
 آهنگسازان مکتب ایتالیا رواجی خاص داشت و آهنگسازان ایتالیایی در
 اغلب شهرها و مراکز هنری مهم اروپا مستقر شده و نفوذ بسیار داشتند .
 موسیقی دانان آلمانی و اتریشی و بوهمی (چک و اسلواکی) ، که خود سفر
 بسیار می کردند ، پیوسته در پاریس و لندن و مادرید و وین با آنان در تماس
 بودند . شهر میلان که در میان مراکز هنری مهم جای داشت بالطبع مرکز
 تماس و برخورد بیشتر و نزدیکتری بین آهنگسازان کشورهای مختلف بود .
 بسیاری از موسیقی دانان اتریشی و آلمانی به آن شهر ، که در آن زمان به -
 اتریش متعلق بود ، می آمدند و در محضر استادانی چون « سامارتینی » بفرآ
 گرفتن رموز فنی هنر موسیقی می برداختند . نیاستی فراموش کرد که
 سامارتینی از نخستین پیشقدمان و پایه گذاران فورم کلاسیک بوده است . از
 سوی دیگر روابط هنری که میان وین و میلان برقرار شده بود به پیدایش
 شیوه و « زبان » مشترکی بین آهنگسازان انجامید که « کلاسیک » نام
 گرفت .

بنا بر آنچه گذشت موسیقی دانان اتریشی در پیدایش شیوه کلاسیک
 سهمی بسزا داشته اند . برتری مکتب آلمان نیز - که از دوره پیدایش شیوه
 کلاسیک تا یک قرن بعد از آن در عرصه موسیقی اروپائی قادر مطلق بود -
 بدون وجود و تأثیر موسیقی دانان اتریشی حاصل نیامده است . نخستین
 آهنگسازان بزرگ کلاسیک ، یعنی هایدن و موزار ، اتریشی بوده اند .
 شوبرت نیز اتریشی بود . بتهوون همه فعالیت های هنری خود را در شهر وین
 انجام داد . بسیاری از آهنگسازان کلاسیک و رمانتیک آلمانی ، بنحوی از
 انحاء ، بآن شهر وابسته اند . از قرن هجدهم شهر وین بصورت یکی از
 مراکز هنری مهم بین المللی درآمد و در همانجا بود که موسیقی دانان آلمانی

ومجار واسلاو با موسیقی ایتالیائی آشنائی می یافتند یا تحت تأثیر آن قرار می گرفتند .

با همه وجوه مشترکی که بین اتریش و آلمان می توان یافت درعین حال موسیقی اتریشی و آلمانی هر کدام صفات و مشخصاتی دارد که گاه کاملاً متفاوتند . این تفاوت از اختلافی که بین طبع و روحیه ، مذهب ، فرهنگ و محیط آن دو کشور هست ، ریشه می گیرد . همسایگی اتریش با ایتالیا نیز از لحاظ موسیقی اتریش قابل اهمال نیست . از این گذشته موسیقی عامیانه و محلی اتریش با موسیقی عامیانه آلمان ارتباطی ندارد .

می توان گفت که بی قیدی و سبکی خاصی که معمولاً با اتریشی نسبت داده می شود در آثار مکتب اتریش نیز محسوس است . نشاط - بالا اقل نشاطی ظاهری - و بذله گوئی نیز که از خصایص اتریشیان بشمار می آید در موسیقی اتریش جای دارد . لحن سبک و گاه بی قیدی که در آثار هایدن باز می توان یافت با طبع و روحیه منقلب ، سنگینی و عمیق آلمانی کمتر رابطه ای دارد . در مورد موزار گفته اند « ... موزار که بطرز معجز آسایی همه لطف و زیبایی - و درعین حال قدرت و توانگری موسیقی را در آثار خود گرد هم آورده است ، نمی توانست در هیچ جای دیگری جز « سالزبورگ » چشم بجهان گشوده باشد ؛ زیرا سالزبورگ ، از نظر جغرافیائی ، یگانه جائیست که طبع و روحیه آلمانی و لاتینی بهم می رسند و برخورد می یابند ... »

لطف و سبکی خاص اتریشی که اشاره کردیم بصورت موسیقی باصطلاح سبک نیز تجلی کرده است و آهنگسازی چون « لانر » و شتراوس (پدر و پسر) در این زمینه آثاری پرداخته اند که در حد خود کم نظیر است .